

مقایسه انحرافات نحوی در ترجمه‌های فارسی و انگلیسی جزء سی قرآن کریم: رویکردی زبان‌شناسی بر اساس چهار چوب نظری هنری ویدوسون

سهیلا محمدپور^۱، زهرا ابوالحسنی چیمه^{۲*}، مهناز کربلائی صادق^۱

۱- گروه زبان‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲- گروه زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

سال نوزدهم، شماره چهارم، تیر ۱۴۰۵، شماره پی‌دی ۱۲۲، صص ۹۱-۱۱۴

<https://irandoi.ir/doi/10.irandoi.2002/bahareadab.2026.18.8189>

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی
(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: جزء سی‌ام قرآن کریم مملو از ساختارهای برجسته و انواع انحرافات نحوی است که نقش مهمی در انتقال معنا، ایجاد جلوه‌های بلاغی و شکل‌گیری زیبایی‌شناسی متن دارند. پژوهش حاضر با رویکرد زبان‌شناسی هنری ویدوسون و با هدف بررسی و مقایسه نحوه بازنمایی این انحرافات در دو ترجمه فارسی (محمد مهدی فولادوند) و انگلیسی (آرتور جان آربری) انجام شده است. مسئله اصلی آن است که تفاوت‌های ساختاری میان زبانهای مبدأ و مقصد و نیز راهبردهای ترجمه‌ای مترجمان تا چه اندازه بر انتقال ارزشهای بلاغی و زیبایی‌شناسی این جزء تأثیر گذاشته است.

روشها: پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی - تحلیلی انجام شده است. داده‌ها شامل ده نوع انحراف نحوی استخراج‌شده از جزء سی‌ام قرآن کریم است. عملکرد دو مترجم با بهره‌گیری از تحلیل کمی بسامدها و تحلیل کیفی راهبردهای ترجمه و نیز با توجه به تفاوت‌های رده‌شناسی سه زبان عربی، فارسی و انگلیسی و در چهارچوب نظری ویدوسون مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج نشان داد انحرافات که به ساختار ترتیب واژگان وابستگی مستقیم ندارند، مانند انحراف در شمار فعل، به‌طور کامل در هر دو ترجمه منتقل شده‌اند. در مقابل، انحرافات وابسته به نظام نحوی زبان عربی، مانند تغییر زمان فعل، به دلیل محدودیتهای زبانهای مقصد حذف شده و در روند ترجمه هنجارسازی شده‌اند. همچنین مشخص شد آربری با رویکردی مبدأگرا بخش بیشتری از آشنایی‌زداییهای نحوی متن، از جمله ضمائر فاقد مرجع، را حفظ کرده است؛ در مقابل، فولادوند با رویکردی مقصدگرا بسیاری از این انحرافات را، از جمله حذف مفعول، برای هماهنگی با هنجارهای زبان فارسی و افزایش روانی متن تعدیل کرده است.

نتیجه‌گیری: انتقال انحرافات نحوی قرآن فرایندی چندبعدی است که هم به تفاوت‌های زبانی وابسته است و هم متأثر از راهبردهای ترجمه‌ای مترجمان. یافته‌ها نشان میدهد ترجمه آربری در حفظ سبک و کارکردهای بلاغی موفقتر است؛ اما ترجمه فولادوند در تولید متنی روان و قابل‌فهم برای مخاطب فارسی‌زبان کارآمدتر عمل کرده است.

تاریخ دریافت: ۲۰ بهمن ۱۴۰۴

تاریخ داوری: ۲۲ اسفند ۱۴۰۴

تاریخ اصلاح: ۱۰ فروردین ۱۴۰۵

تاریخ پذیرش: ۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۵

کلمات کلیدی:

انحراف نحوی، ترجمه قرآن، جزء سی‌ام، فولادوند، آربری، ویدوسون

* نویسنده مسئول:

Zahra.abolhasani@ut.ac.ir

☎ (۹۸ ۲۱) +



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

“A Comparative Study of Syntactic Deviations in the Persian and English Translations of Juz’ 30 of the Holy Qur’an: A Linguistic Approach Based on Henry Widdowson’s Theoretical Framework.”

S. Mohammadpour¹, Z. Abolhasani Chime², M. Karbalaeei Sadegh¹

1- Department of Linguistics, SR.,C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2- Department of Linguistics, faculty of literature and Humanities, University of Tehran, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 09 February 2026

Reviewed: 13 March 2026

Revised: 30 March 2026

Accepted: 11 May 2026

KEYWORDS

syntactic deviation, Quran Translation, the 30th Juz, Fooladvand, Arberry, Henry Widdowson

*Corresponding Author

✉ Zahra.abolhasani@ut.ac.ir

☎ (+98)

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: The 30th Juz’ of the Holy Qur’an is rich in foregrounded structures and various types of syntactic deviation that play a significant role in meaning construction, rhetorical effect, and the aesthetic formation of the text. The present study, drawing on Henry Widdowson’s stylistic approach, aims to examine and compare the representation of these deviations in two translations: the Persian translation by Fooladvand and the English translation by Arberry. The central question concerns the extent to which structural differences between the source and target languages, as well as the translators’ strategies, have influenced the transfer of the rhetorical and aesthetic values of this Juz’.

METHODOLOGY: This research adopts a descriptive–analytical approach. The data consist of ten types of syntactic deviation extracted from the 30th Juz’ of the Qur’an. The performance of the two translators was examined through quantitative frequency analysis and qualitative analysis of translation strategies. The study also considers the typological differences among Arabic, Persian, and English within the framework of Widdowson’s theoretical model.

FINDINGS: The results show that deviations not directly tied to word order, such as number disagreement in verbs, were fully transferred in both translations. By contrast, deviations rooted in the Arabic syntactic system, including tense shifts, were largely eliminated and normalized due to structural constraints in the target languages. Moreover, Arberry, with a source-oriented approach, retained more syntactic defamiliarization features, including pronouns without antecedent. Fooladvand, however, adopting a target-oriented strategy, adjusted many such deviations, such as object omission, to align with Persian norms and improve textual fluency.

CONCLUSION: The transfer of Qur’anic syntactic deviations is a multidimensional process influenced both by cross-linguistic structural differences and by translators’ strategic orientations. The findings suggest that Arberry’s translation is more successful in preserving stylistic and rhetorical functions, whereas Fooladvand’s translation proves more effective in producing a fluent and accessible text for Persian readers.

<https://irandoi.ir/doi/10.irandoi.2002/bahareadab.2026.18.8189>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 42	 1	 2

مقدمه

قرآن کریم به عنوان متنی الهی با غنای زبانی و بلاغتی منحصر به فرد، از دیرباز محور پژوهشهایی در حوزه‌های زبان‌شناسی، مطالعات دینی و ترجمه بوده است. ترجمه این متن نه تنها نیازمند تسلط کامل به مفاهیم دینی است، بلکه نیازمند به آگاهی دقیق از ساختارهای زبانی و سبک بیانی خاص قرآن نیز می‌باشد. قرآن کریم، از لحاظ سبک بیانی، بلاغت و ساختار نحوی پیچیدگیهایی دارد که فرآیند ترجمه آن را چالش‌برانگیز می‌سازد. زبان قرآن، ساختاری درهم‌تنیده از فرم و محتواست که در آن، ویژگیهای سبکی و زبانی بطور مستقیم در تولید معنا سهیم هستند. در چنین متنی، ساختار زبان صرفاً عاملی برای انتقال پیام نیست. ریتم تند، فشردگی کلام و تصویرسازیهای کوبنده، بخصوص در جزء سی از قرآن کریم، تا حد زیادی حاصل خروج آگاهانه از قواعد و الگوهای زبان معیار است (فلاح، ۱۳۹۸)؛ همان ویژگی برجسته‌ای که شفیع کدکنی (۱۳۹۱) از آن با عنوان «رستاخیز کلمات» یاد میکند و در مطالعات سبک‌شناسی نوین تحت عنوان «هنجارگریزی»^۱ و «برجسته‌سازی»^۲ شناخته میشود (صفوی، ۱۳۹۸). عبدالرئوف (۲۰۰۶) معتقد است بلاغت در مکتب علم‌المعانی به کنار هم قرار دادن اجزای جمله در ترتیبهای مختلف کلمات مربوط میشود که منجر به معانی^۴ کاربردی متمایزی میشود. از نظر بلاغی، مکتب علم‌المعانی به کارکردهای کاربردشناسی ترتیب کلمات اشاره دارد. مطالعه علم‌المعانی مناسبات مشترکی با نحو، معنا و تحلیل گفتمان دارد. مهمتر از همه، نشان میدهد که نحو و کاربردشناسی جدایی‌ناپذیر هستند.^۵ نظام ترتیب (النظم) یک مفهوم زبانی مبتنی بر دستور زبان است که به ترتیبهای مختلف اجزای جمله برای کارکردهای ارتباطی مختلف اشاره دارد. این نظام در اصل به ویژگیهای زبانی نمونه اولیه گفتمان قرآنی و ترتیبات خاص آن نسبت داده میشود. همچنین توسط بلاغت‌شناسان برای تعیین ترتیبهای مختلف واحدهای سازنده یک گزاره معین مانند برجسته‌سازی و پس‌زمینه‌سازی برای تأثیرات بلاغی به کار میرود. نظام ترتیب با مفهوم ترتیب کلمات تلفیق شده است. از نگاه هنری ویدوسون^۷ (۱۹۷۵) انحرافات نحوی یعنی فرارگیری ترتیب خاصی از عناصر نحوی که بطور عامدانه خارج از قاعده و قوانین زبانی هستند یا مطابق همان رمز زبان و قاعده نحوی نیستند، بخشهایی از آنها از طریق قواعد دستوری قابل توجیه نیستند، اما قابل تصور هستند. اگر در ترتیب قراردادی عوامل دستوری دستکاری صورت گیرد، معنی تغییر خواهد کرد. انحراف آگاهانه از قواعد – بخصوص قواعد نحوی – را نمیتوان خطای دستوری نامید بلکه دقیقاً همان محلی است که "ارزش سبکی" ایجاد شده مخاطب را وادار به تفکر کرده و بصورت یک تجربه زیبایی‌شناسی از طرف مخاطب دریافت میشود. در این میان، وقتی سخن از ترجمه است، حفظ و انتقال همین انحرافات نحوی به یکی از بزرگترین چالشها برای مترجمین تبدیل میشود. مترجم دائماً در این گیرودار است که چگونه میتواند هم به قوانین زبان مقصد وفادار بماند و هم این خروج عامدانه از زبان هنجار را رعایت کرده و به متن مقصد منتقل کند (بیکر، ۲۰۱۱). پژوهش حاضر با تکیه بر چهارچوب نظری ویدوسون و با در نظر گرفتن

¹ Deviation

² Foregrounding

³ Rhetorical Discipline

⁴ Pragmatics

⁵ The order system

⁶ Back grounding

⁷ H.G. Widdowson

همین چالش‌ها درصدد است تا نشان دهد ترجمه‌های فارسی و انگلیسی جزء سی، دقیقاً چطور با این انحرافات نحوی برخورد کرده‌اند و تفاوت ساختاری این زبانها چه تأثیری بر انتقال لحن و فرم قرآن داشته است. چالشی که هر مترجم متون مقدس و ادبی با آن روبروست، انتخاب میان «حفظ فرم و زیبایی‌شناسی متن مبدأ» و «رعایت نحو و قواعد زبان مقصد» است. جزء سی قرآن پر از انحرافات نحوی هدفمند است؛ از حذفهای مکرر^۱ گرفته تا تغییرات ناگهانی در زمان و شمار افعال^۲ و ضمایر بدون مرجع. ویدوسون (Widdowson, 1992) اعتقاد دارد که هویت ادبی یک متن دقیقاً از همین تقابل میان الگوهای هنجار و هنجارگریز نشأت میگیرد و هرگونه دستکاری در این ساختار، کل تجربه خوانش را دگرگون میکند. با این وجود، برخی مترجمان در برخورد با این انحرافات، معمولاً راحت‌ترین راه یعنی استراتژی «عادی‌سازی»^۳ را انتخاب میکنند (Touy, 1995). یعنی ترجیح میدهند ساختارهای نامتعارف و کوپنده مبدأ را به الگوهای آشنا، روان و هنجار زبان مقصد برگردانند. این کار هرچند فهم متن را ساده میکند، اما از منظر ویدوسون (۱۹۷۵)، عملاً ارزش سبکی متن مبدأ را از بین میبرد و اثر را خنثی میکند. البته در این میان نباید از تفاوت‌های ساختاری زبانها غافل شد؛ زبان فارسی به دلیل ذات انعطاف‌پذیرش، راحت‌تر با این انحرافات کنار می‌آید و ظرفیت بالاتری برای پذیرش آنها دارد (راسخ‌مهند، ۱۳۸۵)، اما انگلیسی با نحو قاعده‌مندتر خود، مترجم را بیشتر به سمت عادی‌سازی سوق میدهد (بیکر، ۲۰۱۱).

با وجود پژوهشهای متعدد در حوزه سبک‌شناسی قرآن، تاکنون جایگاه نظریات هنری ویدوسون در تحلیل تقابلی هنجارگریزهای نحوی در ترجمه‌های چندزبانه مورد غفلت واقع شده است. از این رو، مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که انحرافات نحوی جزء سی قرآن، چگونه در ترجمه‌های فارسی و انگلیسی - ترجمه محمدمهدی فولادوند و آرتور جان آربری - بازتولید یا عادی‌سازی شده‌اند؟ همچنین، با کاربست چهارچوب نظری ویدوسون، این تفاوت‌های ساختاری میان زبانهای مبدأ و مقصد، چه تأثیری بر انتقال ارزشهای زیباشناسی و بلاغی این جزء در دو زبان فارسی و انگلیسی گذاشته است؟

پیشینه پژوهش

در راستای واکاوی پدیده هنجارگریزی و انحرافات معنایی و نحوی، پژوهشهای متعددی صورت گرفته که هرکدام، دریچه‌ای نو به این موضوع گشوده‌اند. در حوزه زبان و ادبیات فارسی، تحقیقاتی مانند آنچه رضایی و نرم‌شیری (۱۳۹۵) بر روی اشعار اخوان ثالث انجام دادند، نشان داد که چگونه ساختارهای نحوی میتوانند در شعر دستخوش تغییر و برجستگی شوند. یاسمی و حسن زاده میرعلی (۱۴۰۵: ۲۸۱)، با تحلیل فرمالیستی آشنایی‌زدایی معنایی و نحوی در غزلیات صائب تبریزی نشان دادند که چگونه "صائب در محور معنایی، با در هم شکستن تقابلهای شرطی‌شده، شی‌وارگی مفاهیم انتزاعی، تغییر کارکرد اشیا و پیوند حوزه‌های معنایی متفاوت، واقعیت روزمره را به واقعیتی شاعرانه بدل میکند." به موازات آن، در مطالعات ادبیات عرب، پژوهشگرانی چون میرزانی و بهرامی (۱۳۹۵)، با بررسی آثار نزار قبانی، به ظرایف سبکی و انحرافات زبانی در این حوزه نیز پرداخته‌اند و همچنین در همین راستا، محسنی و حسن‌زاده (۱۴۰۱)، به بررسی تطبیقی هنجارگریزی در شعر نزار قبانی و حسین پناهی پرداخته‌اند. یاسمی و حسن زاده میرعلی (۱۴۰۵)، به تحلیل فرمالیستی آشنایی‌زدایی معنایی و نحوی در غزلیات صائب تبریزی پرداختند.

^۱ . Ellipsis

^۲ . Tense Shift

^۳ . Normalization

در حوزه زبان و ادبیات انگلیسی، یعقوبیان (۲۰۲۰) در پژوهش خود به بررسی انحرافات نحوی در تبلیغات تجاری پرداخته است. وی در پژوهش خود بر اساس دسته‌بندی برخی زبان‌شناسان به بررسی هنجارگرایی در زمینه‌های واج‌شناسی، نوشتارشناسی، واژگانی و دستور زبان پرداخته است. رحمان و سوکاردی ودا (۲۰۱۹) در پژوهش خود به بررسی هنجارگرایی نحوی و آرایه‌های ادبی در آثار شکسپیر پرداختند. این پژوهشگران از مبانی نظری لیچ بهره جستند.

در نگاهی به متون دینی، به‌ویژه قرآن کریم، نیز شاهد تلاشهایی برای تبیین مفاهیم هنجار و انحراف بوده‌ایم. پژوهشگرانی مانند نوروزی (۲۰۲۵) به بررسی کاربرد مبانی زبان‌شناسی در تفسیر روش‌شناختی قرآن کریم و رسولی کهرودی و همکاران (۱۴۰۳)، به مباحث نظری پیرامون مفهوم «هنجار» در قرآن پرداخته‌اند. در همین راستا، عامری و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهش «هنجارگرایی و برجسته‌سازی در سوره طه»، با بهره‌گیری از نظریه لیچ، نشان دادند که هنجارگرایی در قرآن نه برای آرایه‌های ظاهری، بلکه ابزاری برای تعمیق مضامین الهی است. مطالعات کاربردی‌تری نظیر آنچه میثاقیان و همکاران (۱۴۰۲) در مورد هنجارگرایی مفعولها ارائه دادند، چهارچوبهای تحلیلی را گسترش داده است؛ همچنین نیکنام و همکاران (۱۴۰۱) با تمرکز بر «هنجارگرایی معنایی»، این پدیده را به عنوان «اصل بنیادین ارتباطات زیبایی‌شناسی» معرفی کرده‌اند که میتواند در تحلیل سطوح فراتر از نحو در متن قرآن نیز راهگشا باشد. یاری اصطهبانی و کامکار مقدم (۱۳۹۶) در مطالعه خود کوشیده‌اند با بررسی سبک‌شناسی نحوی که شامل فراهنجاری نحوی، تشخص نحوی و توازن نحوی است، به توصیف و تحلیل زیبایی‌شناسی سوره انسان بپردازند. رضوی پور و همکاران (۱۴۰۳) در پژوهش خود ده آیه از آیات سوره بقره قرآن را از لحاظ تضمین نحوی افعال آیات و از منظر آشنایی زدایی دیدگاه مکتب صورت‌گرایان روس مورد بررسی قرار دادند. مختاری و شانقی (۱۳۹۵) در پژوهش خود به تطبیق عناصر زیبایی‌شناسی سوره مبارکه «کهف» در قرآن کریم با نظریه هنجارگرایی نحوی و استفاده از مبانی نظری لیچ زبان‌شناس انگلیسی پرداختند که فرآیند برجسته‌سازی را به دو دسته‌ی «هنجارگرایی» (گریز از اصول حاکم بر زبان معیار) و «قاعده افزایی» (افزودن قواعدی بر زبان معیار) تقسیم کرد. رضائی و نصری (۱۴۰۳) در پژوهش خود به روش توصیفی - تحلیلی و بر اساس نظریه جفری لیچ به واکاوی برجسته‌سازی در آیات دعا پرداختند. این رویکرد بر پایه دو روش قاعده‌کاهی (هنجارگرایی) که موجب تمایز زبان شعر از زبان معیار میشود و قاعده افزایی که در آن قواعدی بر قواعد زبان معیار افزوده میشود، انجام شده است.

در حوزه ترجمه، کار نعمتی (۱۳۹۱) با عنوان «بررسی سبکی ترجمه منظوم جزء سی‌ام قرآن مجید»، نشان داد که چگونه مترجمان با چالشهای سبکی و زبانی مواجه میشوند و چگونه انتخابهایشان میتواند به خلق سبکی خاص منجر شود. همچنین، الریکابی (۲۰۲۳) در مقاله «انحرافات نحوی و معنایی در گفتمان قرآنی: مطالعه‌ای انتقادی در دو ترجمه کلاسیک انگلیسی قرآن»، به بررسی انحرافات نحوی و معنایی در ترجمه‌های کلاسیک انگلیسی قرآن، به‌ویژه ترجمه‌های آربری و هیلالی و خان پرداخته است. این پژوهش با استفاده از مدل ارزیابی کارکردی ریس^۱ (۲۰۰۰) که شامل چهار دسته انحراف نحوی، انحراف کاربردشناسی، انحراف واژگانی و انحراف معنایی است، نشان میدهد که چگونه انتخابهای واژگانی و معنایی متفاوت مترجمان، متن اصلی قرآن را دستکاری کرده و حتی موضع ایدئولوژیک آن را تغییر داده است. پیرنجم الدین و مدحت (۲۰۱۲) در پژوهش خود به بررسی هنجارگرایی زبانی در ترجمه‌های انگلیسی اشعار شاملو پرداختند. آنها نیز در پژوهش خود از چهارچوب نظری لیچ بهره جستند.

¹. Reiss

با وجود این تلاش‌های ارزشمند، به نظر میرسد که خلأ مشخصی در تحلیل تطبیقی و عمیق انحرافات نحوی، به‌ویژه با اتکا به چهارچوب‌های نظری به‌روزتر و فراتر از صرف الگوهای کلاسیک مانند لیچ و ریس همچنان احساس می‌شود. هرچند مقالاتی نظیر عامری و همکاران (۱۴۰۱)، نیکنام و همکاران (۱۴۰۱) و الریکابی (۲۰۲۳) توانسته‌اند با مدل‌های مختلف به نتایج ارزشمندی دست یابند، اما بررسی این انحرافات در ترجمه‌های فارسی و انگلیسی قرآن، آن هم با رویکردی زبانی-کارکردی مانند آنچه در نظریه ویدوسون مطرح است، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. پژوهش حاضر بر آن است تا با تمرکز بر این خلأ، به مقایسه انحرافات نحوی در ترجمه‌های فارسی و انگلیسی جزء سی قرآن کریم بپردازد و با بهره‌گیری از چارچوب نظری ویدوسون، ضمن بهره‌گیری از دستاوردهای پیشین در زمینه هنجارگریزی ساختاری و معنایی (مانند آنچه در آثار عامری، نیکنام و الریکابی آمده)، تصویری روشن‌تر از تفاوت‌ها و شباهت‌های سبکی این ترجمه‌ها را ارائه دهد.

مبانی نظری پژوهش

ریشه‌های سبک‌شناسی را میتوان در بلاغت کلاسیک جست‌وجو کرد، اما شکل‌گیری سبک‌شناسی مدرن عمدتاً تحت تأثیر صورتگرایی روسی و مکتب پراگ بوده است. صورت‌گرایان با تأکید بر «ادبیت» متن، توجه خود را به ویژگی‌های صوری زبان معطوف کردند و کوشیدند تمایز میان زبان ادبی و زبان عادی را بر اساس ساختارهای زبانی تبیین کنند. در ادامه، مکتب پراگ با طرح مفهوم «برجسته‌سازی» (Foregrounding) چهارچوب نظری منسجم‌تری برای تحلیل زبان ادبی ارائه داد. در این رویکرد، برجسته‌سازی از طریق دو سازوکار اصلی «هنجارگریزی» (Deviation) و «موازی‌سازی» (Parallelism) شکل می‌گیرد و رابطه میان زبان ادبی و زبان روزمره (پس‌زمینه) رابطه‌ای ایستا نیست، بلکه همواره در حال تحول است (Betti, n.d.: 5).

چارلز بالی (۱۹۰۹) نخستین کسی بود که سبک‌شناسی را به عنوان شاخه‌ای مستقل از زبان‌شناسی معرفی کرد. او معتقد بود زبان‌شناسی سوسوری، با تمرکز بر نظام انتزاعی زبان، برای تبیین جنبه‌های عاطفی و بیانی گفتار کفایت نمی‌کند. پس از او، پژوهشگرانی چون لیچ (۱۹۶۹)، کوهن^۱ (۱۹۸۶)، فولر^۲ (۱۹۸۷)، ریس (۲۰۰۰) و به‌ویژه هنری ویدوسون (۱۹۷۵) کوشیدند پیوندی نظام‌مند میان زبان‌شناسی و نقد ادبی برقرار سازند و نشان دهند که چگونه ساختارهای زبانی در ایجاد تأثیر ادبی نقش دارند.

در میان این نظریه‌پردازان، ویدوسون (۱۹۷۵) جایگاهی برجسته دارد. وی آرایه‌های ادبی را در سه سطح نحوی، معنایی و آوایی طبقه‌بندی می‌کند و معتقد است که برجسته‌سازی ادبی غالباً در نتیجه دستکاری آگاهانه در این سطوح پدید می‌آید. در سطح نحوی، ساختارهایی مانند انحرافات نحوی، مبتداسازی، ساختهای موازی و سایر انواع انحرافات نحوی میتوانند موجب برجستگی متن شوند. پژوهش حاضر با تکیه بر این چارچوب نظری، بر انحرافات نحوی تمرکز دارد.

انحراف نحوی زمانی رخ میدهد که عناصر جمله در ترتیبی غیرمعارف یا خارج از قواعد غالب زبان قرار گیرند. این دستکاری ساختاری نه امری تصادفی، بلکه تمهیدی هدفمند برای ایجاد تأکید معنایی، القای هیجان، جلب توجه مخاطب یا انتقال پیامهای ضمنی است. انحراف نحوی میتواند در قالبهای گوناگونی ظاهر شود؛ از جمله: انحراف از قواعد دستوری، جانبخشی، تغییر در شمار و زمان فعل، کاربرد ضمیر پیش از مرجع، ضمیر بدون مرجع، تکرار مرجع به جای ضمیر، حذف مفعول در افعال متعدی و ساختهای پرسشی ناهنجار (ویدوسون، ۱۹۷۵).

^۱ . Cohen

^۲ . Fowler

اگرچه چهارچوب ویدوسون در آغاز برای تحلیل متون ادبی انگلیسی تدوین شد، اما اصول آن قابلیت تعمیم به زبانهای دیگر، از جمله عربی را نیز دارد. قرآن کریم به عنوان متنی با ساختار بلاغی پیچیده، نمونه‌ای بارز از کاربرد هنجارگریزهای نحوی در خدمت معناست. در سنت نحوی و بلاغی عربی نیز به این پدیده‌ها توجه شده است. برای نمونه، قزوینی (۱۴۱۳) و ابن‌هشام (۷۵۶ق) به مواردی چون عدم تطابق ظاهری شمار و زمان افعال یا جابجایی ارکان جمله اشاره کرده‌اند که کارکردی بلاغی دارند.

برای مثال، در آیه «وَنُفِخَ فِي الصُّورِ...» (الزمر: ۶۸) از فعل ماضی برای بیان رویدادی در آینده استفاده شده است؛ پدیده‌ای که در بلاغت عربی با عنوان «التعبير عن المستقبل بلفظ الماضي» شناخته می‌شود. این کاربرد، نوعی انحراف زمانی محسوب می‌شود که برای القای قطعیت وقوع حادثه به کار رفته است (قزوینی، ۱۴۱۳، ج. ۲: ۹۶). همچنین در آیه «فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً مُوسَى» (طه: ۶۷)، مرجع ضمیر پس از ضمیر آمده است که در بلاغت از آن با عنوان «وضع المضمّر موضع المظهر» یاد می‌شود (قزوینی، ۱۴۱۳، ج. ۱: ۸۴).

نمونه دیگر در سوره یس آیه ۶۵ مشاهده می‌شود که در آن «تکلم» و «شهادت» به اعضای بدن نسبت داده شده است. این کاربرد، نوعی جانبخشی محسوب می‌شود، زیرا افعالی که معمولاً نیازمند فاعل جاندار هستند به اعضای بدن نسبت داده شده‌اند (قزوینی، ۱۴۱۳، ج. ۱: ۱۰۴). همچنین پرسشهای بلاغی که ساختاری متفاوت با پرسشهای عادی دارند، از دیگر مصادیق انحراف نحوی‌اند. عبدالرئوف (۲۰۰۱: ۱۱۸) به ۳۳ نوع پرسش بلاغی در قرآن اشاره میکند که کارکردهایی چون تعجب، تحقیر و سرزنش دارند. برای مثال، در آیه «مَالِ هَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ» (الفرقان: ۷)، پرسش جنبه اطلاعاتی ندارد، بلکه بیانگر تعجب و انکار است.

در سوره اخلاص نیز نمونه‌هایی از جابجایی مرجع و ضمیر مشاهده می‌شود؛ در آیه نخست، ضمیر در جای اسم ظاهر آمده و در آیه دوم، اسم ظاهر به جای ضمیر تکرار شده است. این کاربردها که در بلاغت با عناوینی چون «فیوضع المظهر موضع المضمّر» شناخته می‌شوند، با اهدافی نظیر تأکید، جلب توجه و بزرگداشت به کار می‌روند (قزوینی، ۱۴۱۳، ج. ۲: ۸۲).

بررسی این هنجارگریزها در ترجمه، مستلزم توجه به تفاوت‌های ساختاری میان زبان مبدأ و مقصد است. زبان عربی با آرایش غالب فعل + فاعل + مفعول و برخورداری از نظام اعرابی گسترده، از انعطاف واژگانی بالایی برخوردار است و امکان جابجایی ارکان جمله را فراهم می‌کند (مصلوح، ۲۰۰۳). در مقابل، زبان فارسی با آرایش غالب فاعل + مفعول + فعل (دبیرمقدم، ۲۰۰۱، ص. ۱۷) اگرچه از انعطاف نسبی برخوردار است، اما محدودیت‌هایی نیز دارد (راسخ‌مهند، ۱۳۸۵). زبان انگلیسی نیز با آرایش نسبتاً مقید فاعل + فعل + مفعول، وابستگی بیشتری به ترتیب واژگان برای تعیین نقشهای نحوی دارد و در نتیجه امکان جابجایی در آن محدودتر است (Baker, 2011).

افزون بر تفاوت‌های ساختاری، استراتژی مترجمان نیز در بازآفرینی هنجارگریزهای نحوی مؤثر است. فولادوند در ترجمه فارسی قرآن بر روانی و طبیعی بودن متن برای مخاطب فارسی‌زبان تأکید دارد (سلطانی رنای، ۱۳۸۴). عبدی (۱۳۹۴: ۱۲۷) این ترجمه را از نظر نثر معیار موفق میدانند، اما اشاره میکند که این رویکرد گاه به کاهش برجستگیهای نحوی متن مبدأ میانجامد. در مقابل، آربری (۱۹۵۵: ۲۵) در ترجمه انگلیسی خود با رویکردی نزدیک به «برابری صوری»، کوشیده است ریتم و تأکیدهای بلاغی متن اصلی را بازآفرینی کند.

بر اساس چهارچوب نظری ویدوسون (۱۹۷۵)، عناصر نحوی مورد تحلیل در این پژوهش شامل انحراف در شمار و زمان افعال، کاربردهای خاص ضمائر، ضمیر فاقد مرجع، ضمیر پیش از مرجع، جانبخشی، حذف مفعول در افعال متعدی و ساختهای پرسشی ناهنجار است. این عناصر در آیات جزء سی‌ام قرآن به‌وفور مشاهده می‌شوند و در کنار

ایجاز و آهنگین بودن ساختار آیات، نقش مهمی در ایجاد برجسته‌سازی و انتقال مؤثر پیامهای هدایتی ایفا میکنند (شریتدار، ۱۳۹۹).

در نتیجه، حفظ یا بازآفرینی هنجارگریزیهای نحوی قرآن در ترجمه، برای انتقال دقیق جهت‌گیریهای تأکیدی و بلاغی متن اصلی ضروری است. با این حال، میزان موفقیت در این امر به ظرفیت ساختاری زبان مقصد و رویکرد مترجم وابسته است؛ امری که در این پژوهش با رویکردی مقایسه‌ای میان ترجمه‌های فارسی و انگلیسی جزء سی‌ام قرآن بررسی خواهد شد.

روش پژوهش

این پژوهش با رویکردی توصیفی-تحلیلی و بر اساس تحلیل کیفی-کمی داده‌های زبانی انجام شده است. هدف آن بررسی چگونگی بازنمایی و انتقال انحرافات نحوی موجود در متن مبدأ (جزء سی‌ام قرآن کریم) در دو ترجمه فارسی (فولادوند) و انگلیسی (آربری) بر اساس چارچوب نظری ویدوسن است. پیکره مورد بررسی شامل جزء سی‌ام قرآن کریم و دو ترجمه آن، ترجمه فارسی محمدمهدی فولادوند و ترجمه انگلیسی جان آرتور آربری است. انتخاب جزء سی‌ام به دلیل فشردگی بیانی، تراکم بلاغی، و بسامد بالای ساختهای برجسته و هنجارگریز صورت گرفته است که آن را به نمونه‌ای مناسب برای تحلیل سبک‌شناسی تبدیل میکند (فلاح، ۱۳۹۸). واحد تحلیل در این پژوهش «آیه» است. هر آیه به عنوان یک واحد مستقل معنایی-نحوی در نظر گرفته شده و انحرافات نحوی در چهارچوب ساخت کلی آن شناسایی و بررسی شده‌اند. در مواردی که انحراف در سطح عبارت یا بند رخ داده است، تحلیل در همان سطح انجام شده، اما ثبت و شمارش داده‌ها در سطح آیه صورت گرفته است.

چارچوب نظری و معیار تشخیص انحراف

ملاک تشخیص و طبقه‌بندی انحرافات نحوی بر اساس چارچوب نظری هنری ویدوسن در حوزه سبک‌شناسی صورت گرفته است. بر اساس این چهارچوب، انحراف زمانی رخ میدهد که ساخت زبانی از هنجارهای متعارف نظام نحوی فاصله بگیرد و موجب برجسته‌سازی شود.

در این پژوهش، انواع انحرافات نحوی با توجه به شاخصهای زیر شناسایی شده‌اند: انحراف از شمار فعل، تکرار مرجع ضمیر، انحراف از زمان فعل، لزوم فعل به داشتن فاعل جاندار، حذف مفعول فعل متعدی، تقدم ضمیر بر مرجع، ضمیر فاقد مرجع، فرم ناهنجار سؤالی، تغییر زاویه دید و استفاده از صیغه غایب (ضمیر بدون مرجع). برای تشخیص و تحلیل «هنجار»، از دستور معیار زبان عربی، با اتکا به مباحث نحوی کلاسیک همچون قزوینی (۱۴۱۳) و ابن هشام (۷۵۶ ق) استفاده شده و تفسیر کارکرد بلاغی ساختها با توجه به تفاسیر مفسرانی چون طبری (۹۲۳CE) و السیوطی (۱۵۰۵ CE) صورت گرفته است تا پیوند میان انحراف نحوی و کارکرد معنایی روشن شود.

فرآیند تحلیل بصورت دستی و مرحله‌مند انجام شده است: ۱. استخراج آیات دارای انحراف نحوی در متن عربی، ۲. تطبیق هر مورد با دو ترجمه، ۳. بررسی نحوه بازنمایی، انتقال یا عادی‌سازی ساخت در زبان مقصد، ۴. ثبت داده‌ها در جدولهای مقایسه‌ای. کدگذاری داده‌ها توسط پژوهشگر و به صورت دستی انجام شده است. به منظور افزایش دقت تحلیل، هر مورد چندین بار بازخوانی و با معیارهای نظری تطبیق داده شده است.

پس از استخراج و طبقه‌بندی موارد، داده‌ها به صورت کمی (فراوانی و درصد) و کیفی (تحلیل کارکردی-سبکی) بررسی شدند. تحلیل کمی به منظور مقایسه میزان انتقال یا عادی‌سازی انحرافات در دو ترجمه انجام گرفت، و

^۱. Common Era

تحلیل کیفی به تبیین علل زبانی و سبک‌شناسی تفاوت‌ها اختصاص یافت؛ به‌ویژه با توجه به تفاوت ساختاری زبانهای عربی، فارسی و انگلیسی.

تحلیل داده‌ها (آیات)

الناس (۲۱): "قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ" و "مَلِكِ النَّاسِ"

انحراف نحوی (چهارچوب ویدوسون): تکرار مرجع ضمیر (الناس) بعنوان انحراف از نرم. پس از آیه اول (بِرَبِّ النَّاسِ)، هنجار زبان معیار ایجاد میکند که برای پرهیز از تکرار، از ضمیر متصل استفاده شود: مَلِكِهِمْ (پادشاهشان) و إِلَهُهُمْ (معبودشان).

تحلیل سبکی و بلاغی: تکرار اسم ظاهر (الناس) به جای ضمیر این پدیده در علم بلاغت "فیوضع المظهر موضع المضمّر" اسم ظاهر به جای ضمیر" نامیده میشود به منظور تأکید، احترام، تحقیر، یا جلب توجه بکار می‌رود (قزوینی، ۱۴۱۳، ج. ۲: ۸۴). این انحراف از هنجار، باعث برجسته‌سازی و خلق ارزش سبکی ویژه‌ای میشود. تعظیم و تفخیم^۱ تکرار کلمه «الناس» پس از هر صفت (رب، ملک، إله)، استیلا و حاکمیت مطلق خداوند بر «مردم» را به طور مستقل و با تأکید بیشتر بیان میکند. هر آیه به یک اقرار کامل و مستقل تبدیل میشود (طبری، CE ۹۲۳، ج. ۳۴: ص ۶۸۹). لذت موسیقایی این تکرار، وزنی آهنگین به سوره میبخشد که تأثیر روانی بر شنونده دارد و به حفظ آن کمک میکند. به قول خطیب قزوینی، این تکرار برای «زیادة التقرير والایضاح» (افزایش تأکید و وضوح) است. ذهن شنونده مجالی برای غفلت پیدا نمیکند و مفهوم پناهندگی به خدا در ذهن او حک میشود.

– **تحلیل ترجمه فولادوند:** ترجمه: ۱. پادشاه مردم، ۲. معبود مردم، **تحلیل:** ترجمه تحت‌اللفظی و وفادار به ساختار متن مبدأ. فولادوند با تکرار واژه «مردم»، این برجسته‌سازی سبکی را با موفقیت به زبان فارسی منتقل کرده است.

– **تحلیل ترجمه آربری:** ترجمه: ۱. "The King of men"، ۲. "The God of men" **تحلیل:** معادل‌یابی صوری (Formal Equivalence) آربری نیز با تکرار "men" همین ساختار نحوی و تأکید بلاغی را در ترجمه انگلیسی بازتولید کرده است.

اخلاص (۲۱): "قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ"، "اللَّهُ الصمد"

انحراف نحوی (چهارچوب ویدوسون): تقدم ضمیر بر مرجع: آوردن ضمیر «هُوَ» پیش از ذکر مرجع آن «اللَّهُ». در نحو معیار، ضمیر پس از مرجع می‌آید.

تحلیل بلاغی و نحوی: "وضع المضمّر فی موضع المظهر"، "ضمیر بجای اسم ظاهر" باعث ایجاد تعلیق، برانگیختن ذهن مخاطب و تفخیم و بزرگداشت موضوع (توحید) پیش از بیان صریح آن میشود (قزوینی، ۱۴۱۳، ج. ۱: ۸۴).

تحلیل ترجمه فولادوند: ترجمه "بگو اوست خدای یگانه". تحلیل: فولادوند انحراف نحوی را عیناً به مقصد منتقل کرده و ضمیر «او» را پیش از «خدا» آورده است تا کارکرد تعلیق و برجسته‌سازی حفظ شود.

تحلیل ترجمه آربری: ترجمه "Say: 'He is God, One'"، تحلیل: آربری نیز با استفاده از ضمیر "He" پیش از "God"، این هنجارگریزی نحوی (ضمیر شأن) را در ساختار زبان انگلیسی بازتولید کرده است.

آیه ۲: "اللَّهُ الصمد"

انحراف نحوی (چهارچوب ویدوسون): استفاده مجدد از کلمه «اللَّهُ» به جای استفاده از ضمیر (هوالصمد). هنجار معیار اقتضا میکند پس از ذکر مرجع در جمله‌ی قبل، از ضمیر استفاده شود.

^۱. Magnification

تحلیل بلاغی و نحوی: تکرار مرجع به جای استفاده از ضمیر است که "فیوضع المظهر موضع المضمّر"، "اسم ظاهر به جای ضمیر" نامیده میشود به منظور تأکید، احترام، تحقیر، یا جلب توجه بکار می‌رود که همگی کارکردهای برجسته‌سازی و معنایی ویژه‌ای در بافت آیات دارند (قزوینی، ۱۴۱۳، ج. ۲: ۸۲).

ترجمه فولادوند: ترجمه: خدای صمد تحلیل: فولادوند به جای استفاده از ضمیر (او صمد است)، واژه «خدا» را تکرار کرده تا استقلال جمله و هیبت نام خداوند مطابق با متن مبدأ حفظ شود.

ترجمه آربری: ترجمه: God, the Everlasting Refuge تحلیل: آربری با تکرار کلمه 'God' به جای ضمیر 'He'، انحراف از هنجار را کاملاً منتقل کرده و برجسته‌سازی سبکی را در زبان مقصد ایجاد کرده است.

نتیجه‌گیری ساختاری: در هر دو آیه، ساختار نحوی از حالت خودکار و روزمره (نرمال) خارج شده است. در آیه اول، تعلیق معنایی (از طریق ضمیر شأن) و در آیه دوم، تثبیت معنایی (از طریق تکرار اسم ظاهر) رخ داده است. بررسیها نشان میدهد که هر دو مترجم (فولادوند و آربری) به جای عادی‌سازی (Normalization)، از رویکرد بازآفرینی هنجارگریزی استفاده کرده‌اند تا تأثیر سبک‌شناختی و بلاغی متن مبدأ در ترجمه‌ها حفظ شود.

مقدمه تحلیل:

سوره زلزله، صحنه هولناک آغاز قیامت را به تصویر میکشد. یکی از برجسته‌ترین ویژگیهای سبکی این سوره، استفاده از افعال ماضی (گذشته) برای توصیف رویدادهایی است که در آینده (روز قیامت) رخ خواهند داد. زبان از حالت مورد انتظار خارج شده و توجه مخاطب را به قطعیت و حتمیت وقوع قیامت جلب میکند. این انحراف، رویداد آینده را چنان قطعی و مسلم جلوه میدهد که گویی هم‌اکنون رخ داده و به پایان رسیده است (طبری، CE ۹۲۳، ج. ۳۴ ص ۳۱۰-۳۱۹). از منظر سبک‌شناسی ویدوسن (۱۹۷۵)، این «انحراف از هنجار زمانی» یک استراتژی قدرتمند برای «برجسته‌سازی» (Foregrounding) است.

زلزله (۱،۲،۳) متن آیه: "إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا"، "وَأُخْرِجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا"، "وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا". **انحراف نحوی (چهارچوب نظری ویدوسن):** انحراف از هنجار زمانی: استفاده از افعال ماضی "زُلْزِلَتْ، أُخْرِجَتْ، قَالَ" برای توصیف رویدادهای آینده. هنجار زبان معیار، استفاده از فعل مضارع یا مستقبل برای بیان امور آینده است.

تحلیل بلاغی و نحوی: فعل ماضی برای بیان رویدادی در آینده استفاده شده است "التعبير عن المستقبل بلفظ الماضي". هدف از این کار، تأکید بر حتمیت و قطعیت وقوع آن رویداد است (لِتَحَقُّقُ وَقُوعِهِ). گویی این اتفاق آنقدر مسلم است که از هم‌اکنون باید آن را رخ داده تلقی کرد. این ساختار، تصویری زنده و هولناک از واقعه در ذهن مخاطب ایجاد میکند و هرگونه شک و تردید را از بین میبرد (قزوینی، ۱۴۱۳، ج. ۲: ۹۶؛ ابن‌هشام انصاری، ۷۵۶ ق: ۹۶).

ترجمه فولادوند: ترجمه: آنگاه که زمین به لرزش [سخت] خود لرزانده شود، و زمین بارهای سنگین خود را برون افکند، و انسان گوید: «آن را چه شده است؟ تحلیل: فولادوند انحراف را عادی‌سازی (Normalization) کرده است. او به جای استفاده از فعل ماضی ساده (که در این ساختار شرطی در فارسی نامأنوس است)، از ساختار آینده «...لرزانده شود» و حال اخباری «گوید» استفاده کرده است. این کار برای حفظ روانی و دستوری بودن متن در زبان مقصد ضروری بوده است (Toury, 1995). اما آن برجسته‌سازی و «شوک» سبکی موجود در متن عربی (بیان آینده با فعل قطعی گذشته) تا حدی از دست رفته است.

ترجمه آربری:

"When the earth is shaken with a mighty shaking and the earth brings forth her burdens and man says, 'What ails her?'"

تحلیل: آربری نیز مانند فولادوند، ساختار را عادی‌سازی کرده است. در زبان انگلیسی، برای بیان شرط در آینده از زمان حال ساده در جمله شرطیه (When the earth is shaken...) استفاده میشود. استفاده از فعل گذشته (When the earth was shaken) در این بافت، از نظر دستوری نادرست بود (Tourey, 1995). بنابراین، آربری برای رعایت قواعد زبان مقصد، از هنجار زبان انگلیسی پیروی کرده و در نتیجه، انحراف سبکی متن مبدأ منتقل نشده است.

نتیجه‌گیری کلی: انحراف نحوی کلیدی در سوره زلزله، استفاده از فعل ماضی برای بیان آینده در آیات ۱-۳ است که کارکرد آن ایجاد حس قطعیت مطلق و برجسته‌سازی هولناکی واقعه است. هر دو مترجم، فولادوند و آربری، به دلیل محدودیتهای دستوری زبانهای فارسی و انگلیسی، این انحراف سبکی را عادی‌سازی (Normalize) کرده‌اند (Tourey, 1995). آنها برای حفظ سلامت دستوری و روانی متن در زبان مقصد، به جای بازتولید دقیق فرم (فعل ماضی)، به انتقال معنای اصلی (وقوع در آینده) اکتفا کرده‌اند. این انتخاب نشان‌دهنده چالش همیشگی مترجمان در تقابل میان وفاداری به سبک متن مبدأ و رعایت هنجارهای زبان مقصد است.

انفطار (۲۱): "إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ" ، "وَإِذَا الْكَوَاكِبُ انتَثَرَتْ" ، "وَإِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ" ، "وَإِذَا الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ"

مقدمه تحلیل: در آیات ابتدایی سوره انفطار، شاهد یکی از زیباترین و مؤثرترین انحرافات سبکی قرآن کریم هستیم. در این آیات، افعال به فاعلهایی اسناد داده شده‌اند که ذاتاً فاقد حیات و اراده هستند (آسمان، ستارگان، دریاها، قبرها). از منظر زبان‌شناسی، هنجار زبان ایجاب میکند که فاعل یک فعل کنشی، موجودی جاندار و صاحب اراده باشد. عدول از این هنجار و اسناد دادن فعل به غیر فاعل حقیقی‌اش، در علم بلاغت «المجاز العقلي» یا «الإسناد المجازی» نامیده میشود (قزوینی، ۱۴۱۳، ج. ۱: ۱۰۴). این صنعت، در چهارچوب نظری ویدوسن (۱۹۷۵)، یک «انحراف معنایی-نحوی»^۱ تلقی میشود که با شکستن قواعد همنشینی واژگان^۲، کارکردی برجسته‌ساز دارد. این انحراف، به اشیاء بی‌جان، حیاتی^۳ پویا میبخشد، صحنه قیامت را هولناکتر و زنده‌تر به تصویر میکشد و نشان میدهد که در آن روز، نظام معمول عالم به کلی دگرگون میشود.

انحراف نحوی-معنایی (چهارچوب نظری ویدوسن): انحراف از هنجار گزینشی^۴ (اسناد فعل کنشی) (انْفَطَرَتْ: شکافته شد، انتَثَرَتْ: پراکنده شد) به فاعل غیرجاندار السَّمَاءُ، الْكَوَاكِبُ، هنجار زبان، انتظار فاعلی [جاندار] برای چنین افعالی دارد. این انحراف، با جان‌بخشی به عناصر طبیعت، آنها را به صورت عواملی فعال در صحنه قیامت به تصویر میکشد و باعث برجسته‌سازی میشود.

تحلیل بلاغی و نحوی: این ساختار، مصداق بارز "المجاز العقلي" است. وقتی فعل را به چیزی غیر از فاعل حقیقی‌اش (که در اینجا خداوند است) نسبت میدهیم، ذهن مخاطب به تکاپو میافتد تا رابطه میان فعل و این فاعل مجازی را کشف کند. این کار، معنا را چندلایه و تصویر را زنده‌تر میکند. در این آیات، اسناد فعل به آسمان

¹ Semantic-Syntactic Deviation

² collocational rules

³ Personification.

⁴ Violation of Selectional Rules

و ستارگان، چنان است که گویی این موجودات عظیم، خود از هول آن روز، منفعلانه و در عین حال فعالانه، از هم میپاشند (السیوطی، CE ۱۵۰۵، ج. ۳۳: ۲۱-۲۳).

متن آیه اول: إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ

ترجمه فولادوند: ترجمه: "آنگاه که آسمان بشکافد" تحلیل: حفظ انحراف (جان‌بخشی)، فولادوند با استفاده از فعل معلوم «بشکافد»، فاعلیت و پویایی را به «آسمان» (موجودی بی‌جان) نسبت داده و انحراف سبکی و تصویرسازی متن مبدأ را حفظ کرده است.

ترجمه آربری: "When heaven is cleft" تحلیل: آربری از رویکرد عادی‌سازی (Normalization) از طریق کاربرد ساختار مجهول (is cleft) استفاده کرده است (Tourey, 1995). در این حالت، آسمان دیگر فاعل کنشگر نیست، بلکه مفعولی است که عمل شکافتن روی آن انجام میشود (پذیرنده عمل). انحراف تقلیل یافته است.

متن آیه دوم: وَإِذَا الْكَوَاكِبُ انتَثَرَتْ

ترجمه فولادوند: ترجمه: "و آنگاه که اختران پراکنده شوند" تحلیل: فولادوند از رویکرد عادی‌سازی نسبی استفاده کرده است. استفاده از ساختار مجهول/ناگذر «پراکنده شوند» فاعلیت ارادی را از ستارگان میگیرد و آن را به یک رویداد طبیعی و غیرارادی تقلیل میدهد.

ترجمه آربری: "when the stars are scattered" تحلیل: آربری از رویکرد عادی‌سازی (Normalization) از طریق کاربرد ساختار مجهول (are scattered)، استفاده کرده است (Tourey, 1995). وی ستارگان را مفعول عمل قرار داده و هنجارگریزی فاعلیت شیء بیجان را خنثی کرده است.

قدر (۱) إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ

انحراف نحوی (چهارچوب ویدوسن):

اولین مورد انحراف نحوی: استفاده از ضمیر متصل قبل از مرجع^۱ آن انحراف ارجاعی پیشین. ضمیر مرجع^۲ مفعولی "ه" (در أَنْزَلْنَاهُ) بدون وجود مرجع دستوری ایجاب میکند که ابتدا نام «قرآن» ذکر شود و سپس به آن ضمیر ارجاع داده شود. این هنجارگریزی باعث برجسته‌سازی و ایجاد تعلیق میشود.

تحلیل بلاغی آیه اول: وجود ضمیر قبل از مرجع آن "وضع المضمّر فی موضع المظهر"، و اصطلاح "ضمیر بجای اسم ظاهر. قزوینی توضیح میدهد که بازگشت ضمیر به مرجع محذوف معلوم در ذهن (قرآن)، جایز است و نشان از شهرت و حضور آن در ذهن مخاطب دارد. وی این ساختار را عاملی برای تفخیم و تعظیم (بزرگداشت) میداند؛ گویی شأن قرآن چنان بدیهی و والاست که نیازی به نام بردن ندارد و ذهن خودبخود متوجه آن میشود (۱۴۱۳، ج. ۱: ۸۴).

ترجمه فولادوند آیه اول: "ما [قرآن را] در شب قدر نازل کردیم" تحلیل: عادی‌سازی (Normalization) فولادوند برای جلوگیری از ابهام در زبان فارسی، مرجع ضمیر یعنی کلمه «[قرآن را]» را به صورت صریح (داخل کرشه) به متن افزوده است. در نتیجه، انحراف نحوی و کارکرد تعلیقی/تفخیمی متن مبدأ از بین رفته و ساختار، هنجارمند شده است (Tourey, 1995).

^۱ Referential Deviation

^۲ Antecedent

ترجمه آربری: "Behold, We sent it down on the Night of Power;" تحلیل: حفظ انحراف^۱. آربری با استفاده از ضمیر "it" بدون ذکر قبلی کلمه "Quran"، دقیقاً از ساختار نحوی قرآن تبعیت کرده است. او هنجارگریزی را به زبان مقصد منتقل کرده و همان حس عظمت و ارجاع به یک موضوع کاملاً شناخته‌شده را در زبان انگلیسی بازتولید کرده است.

دومین مورد انحراف نحوی: انحراف در تطابق شمار^۲: از دیدگاه نحوی، مرجع فاعل (خداوند) مفرد است، اما از ضمیر و فعل جمع المتکلم («إِنَّا» و «أَنزَلْنَا») استفاده شده است. بر اساس نظریه ویدوسون، این خروج از هنجار تطابق عدد^۳، یک انحراف دستوری است که برای خلق «ارزش سبکی» و برجسته‌سازی (Foregrounding) عظمت فاعل به کار رفته است.

تحلیل بلاغی آیه دوم: این ساختار خروج از ظاهر لفظ برای بیان عظمت و هیبت متکلم (نون العظمة) است. عدول از صیغه مفرد به جمع در مقام فاعلیت مطلق، عاملی برای تفخیم، ایجاد هیبت در مخاطب و تأکید بر قدرت بی‌نظیر متکلم در انجام آن فعل (نزول قرآن) است (اسد، ۱۹۸۰، به نقل از عبدالرئوف، ۲۰۰۱، ص ۷۸).

ترجمه فولادوند آیه دوم: ترجمه: ما [قرآن را] در شب قدر نازل کردیم. حفظ انحراف فولادوند با استفاده از ضمیر و فعل جمع («ما» و «کردیم»)، هنجارگریزی متن مبدأ را عیناً به زبان مقصد منتقل کرده است؛ چرا که زبان فارسی نیز ظرفیت پذیرش "جمع تعظیم" را به عنوان یک ابزار سبکی دارد.

ترجمه آربری آیه دوم: ترجمه: "Behold, We sent it down on the Night of Power" آربری نیز انحراف را بازتولید کرده است. برای تأکید بر الوهیت کاربرد یا حرف بزرگ^۴ و استفاده از ضمیر جمع (We) انحراف را بازتولید کرده است. در زبان انگلیسی نیز استفاده از "We" برای خداوند یا پادشاهان کاملاً جاافتاده است و کارکرد تفخیمی متن مبدأ به خوبی منتقل شده است.

اعلی (۶): سَنُقَرِّئُكَ فَلَا تَنسَى

انحراف نحوی (چارچوب ویدوسون): انحراف از طریق حذف^۵: فعل «تَنسَى» (فراموش میکنی) یک فعل متعدی است که در ساختار هنجاری^۶ نیازمند مفعول صریح است (مانند: قرآن را، یا آنچه به تو وحی میشود را فراموش نمیکنی). حذف مفعول در اینجا، یک انحراف نحوی است که موجب برجسته‌سازی عمل «فراموش نکردن» به صورت مطلق میشود، نه صرفاً فراموش نکردن یک شیء خاص (ویدوسون، ۱۹۷۵).

تحلیل بلاغی: گاهی فعل متعدی به منزله فعل لازم ارائه میشود تا تمام تمرکز مخاطب بر خود رخداد (نفی فراموشی در پیامبر، یعنی هیچ چیز را فراموش نخواهی کرد) متمرکز شود (قزوینی، ۱۴۱۳، ج ۲: ۱۵۴). ابن هشام انصاری (۷۵۶ ق، ص ۷۲۷) حذف مفعول را در مواردی که قرینه مقالیه یا حالیه وجود دارد جایز دانسته و غرض از آن را «التعمیم» (تعمیم دادن) یا رعایت فواصل آیات (موسیقی کلام و هماهنگی با آیات قبل و بعد که به الف مقصوره ختم میشوند) میدانند.

۱. Retention

۲. Number Deviation

۳. Singular/Plural

۴. Majestic Plural.

۵. Capitalization

۶. Ellipsis / Syntactic Deviation.

۷. Norm

ترجمه فولادوند: ترجمه: "ما بر تو خواهیم خواند تا فراموش نکنی" تحلیل: حفظ انحراف. فولادوند با عدم ذکر مفعول در زبان فارسی (مثلاً نه گفتن «آن را فراموش نکنی»)، هنجارگریزی نحوی متن مبدأ را عیناً به زبان مقصد منتقل کرده است. این امر باعث شده تا تعمیم و برجسته‌سازی فعل در زبان فارسی نیز حفظ شود.

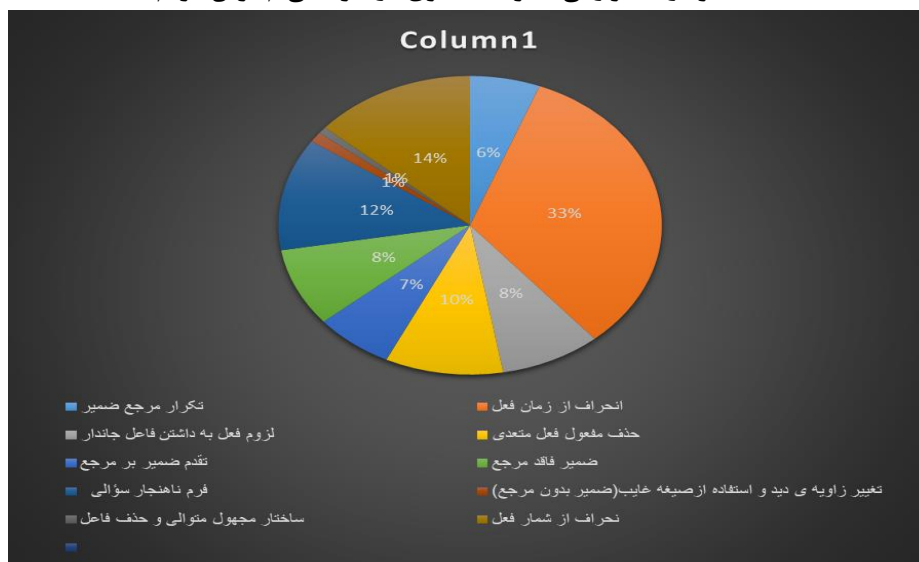
ترجمه آربری: ترجمه: "We shall make thee recite, to forget not" تحلیل: حفظ انحراف. آر‌تور جان آربری نیز با استفاده از فعل "forget" (بدون ذکر مفعول بدون استفاده از ضمیری مانند it یا anything) انحراف را در زبان انگلیسی بازتولید کرده است. این رویکرد، ساختار فشرده، موسیقایی و معنای مطلق آیه را به خوبی در ترجمه انگلیسی منعکس کرده است.

جدول جامع و فشرده‌ی تمام تحلیل‌های سبکی-نحوی آیات مورد بررسی (بر اساس چارچوب ویدوسون) به شرح زیر است:

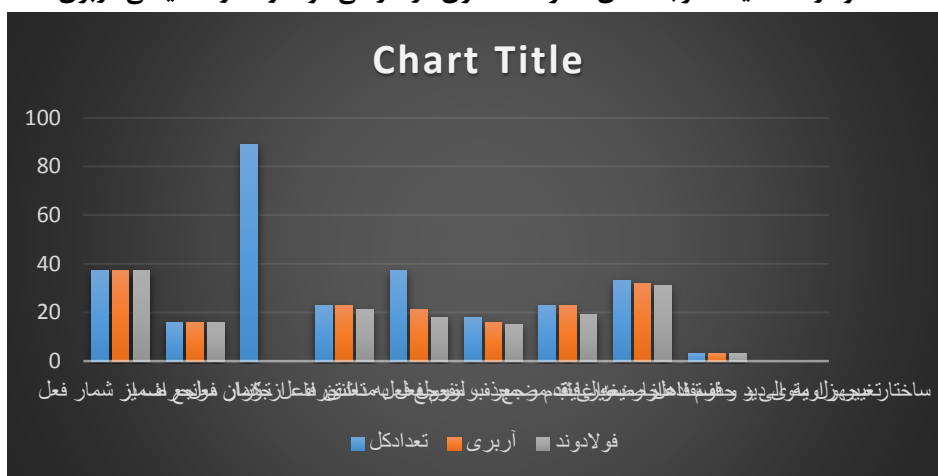
ترجمه‌ی فولادوند	ترجمه‌ی آربری	تحلیل بلاغی	نوع انحراف نحوی	سوره و آیه	ردیف
حفظ انحراف: تکرار معادل «مردم» در تمامی آیات.	حفظ انحراف: تکرار معادل "men" در تمامی آیات.	الإظهار فی موضع الإضمار: ابزاری برای تعظیم و تأکید و تقریر در ذهن مخاطب (سیوطی، ج ۲: ۱۷۱)	انحراف نحوی (تکرار): تکرار اسم ظاهر «الناس» به جای استفاده از ضمیر. کارکرد: تأکید و برجسته‌سازی موسیقایی	ناس(۳ و ۲)	۱
حفظ انحراف: استفاده از «اوست» و تکرار نام "خدا"	حفظ انحراف: تکرار نام "God" و حفظ ساختار.	ضمیر الشأن / الإظهار فی موضع الإضمار: تفخیم و تعظیم شأن الهی (قزوینی، ۱۴۱۳، ج ۲: ۸۴)	انحراف ارجاعی و تکرار: تقدم ضمیر بر مرجع «هُوَ» و تکرار اسم ظاهر «اللَّهُ». کارکرد: ایجاد تعلیق و تأکید.	اخلاص (۱-۲)	۲
عادی‌سازی (Normalization): استفاده از ساختار مضارع/آینده برای تطابق با دستور زبان فارسی.	عادی‌سازی (Normalization): استفاده از ساختار آینده/مجهول برای تطابق با زبان انگلیسی.	التعبیر بالماضی عن المستقبل: نشان‌دهنده حتمیت وقوع رویداد به گونه‌ای که گویی رخ داده است.	انحراف زمان فعل: استفاده از فعل ماضی برای بیان رویداد آینده (قیامت). کارکرد: تصویرسازی قطعی از آینده.	زلزله (۱-۳)	۳

۴	انفطار (۴-۱)	انحراف معنایی-نحوی: اسناد افعال کنشی (نیازمند فاعل جاندار) به پدیده‌های بی‌جان (آسمان، ستارگان). کارکرد: پویایی و تصویرسازی آخرالزمانی.	المجاز العقلي / الاسناد المجازی: جان‌بخشی به اشیاء و نشان دادن تسلیم کیهان در برابر اراده الهی.	ترکیبی: آیه ۱: حفظ انحراف (شکافته شود). آیات ۲-۴: عادی‌سازی نسبی با ساختار شبه‌مجهول.	ترکیبی: آیات ۱-۲: عادی‌سازی با افعال مجهول. آیه ۳: ایجاد انحراف جدید با فعل معلوم "swarm over".
۵	قدر (۱) - بخش اول	انحراف ارجاعی: کاربرد ضمیر مفعولی («ه») بدون مرجع پیشین. کارکرد: تعلیق و برجسته‌سازی.	الإضمار قبل الذكر: نشان‌دهنده شهرت مرجع (قرآن) در ذهن مخاطب؛ ابزاری برای تفخیم.	عادی‌سازی: افزودن صریح مرجع («قرآن را») و رفع ابهام هنری.	حفظ انحراف: استفاده از ضمیر "it" بدون ذکر مرجع.
۶	قدر (۱) - بخش دوم	انحراف تطابق شمار: استفاده از ضمیر/فعل جمع («إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ») برای فاعل مفرد. کارکرد: برجسته‌سازی عظمت فاعل.	التفات از تکلم به غیبت: خروج از ظاهر لفظ برای ایجاد هیبت و تأکید بر قدرت مطلق متکلم (قزوینی، ۱۴۱۳، ج ۲: ۸۸)	حفظ انحراف: استفاده از «ما... نازل کردیم» (جمع تعظیم).	حفظ انحراف: استفاده از ("Royal We") با حرف بزرگ. We.
۷	اعلی (۶)	انحراف نحوی (حذف): حذف مفعول فعل متعدی («تَنْسِي»). کارکرد: ایجاز و تمرکز بر نفس عمل.	حذف المفعول / تعمیم: پرهیز از حشو، ایجاد تعمیم مطلق (هیچ چیز را فراموش نمیکنی).	حفظ انحراف: عدم ذکر مفعول در متن فارسی («فراموش نکنی»).	حفظ انحراف: عدم ذکر مفعول در متن انگلیسی ("to forget not").

نمودار ۱. فراوانی انحرافات نحوی در جزء سی‌ام قرآن کریم



نمودار ۲. مقایسه ترجمه‌های انحرافات نحوی در فارسی (فولادوند) و انگلیسی (آبربی)



یافته‌ها و تحلیل

این پژوهش با هدف تحلیل تطبیقی انحرافات نحوی در ترجمه‌های فارسی و انگلیسی جزء سی‌ام قرآن کریم بر اساس چارچوب نظری ویدوسن انجام شده است. داده‌ها از طریق شناسایی و طبقه‌بندی انحرافات نحوی شامل تغییر شمار فعل، تکرار مرجع ضمیر، تغییر زمان فعل، حذف مفعول فعل متعدی، تقدم ضمیر بر مرجع، ضمیر بدون مرجع، ساختهای پرسشی ناهنجار (پرسشهای بلاغی)، فقدان فاعل جاندار برای فعل (جانبخشی)، تغییر زاویه دید و ساختارهای مجهول متوالی به دست آمد. تحلیل داده‌ها بر اساس چارچوب نظری ویدوسن و با تکیه بر

مبانی نحوی کلاسیک انجام شد. با نگاهی به نمودارهای (۱) و (۲) میتوان بازنمایی انحرافات نحوی در ترجمه‌ها را در سه الگوی کلی انتقال کامل، حذف کامل و انتقال نسبی طبقه‌بندی کرد.

حوزه انتقال کامل: انحرافات مستقل از ترتیب واژگان

همانطور که نمودار (۲) نشان میدهد، در دو مورد «انحراف از شمار فعل» (۳۷ مورد) و «تکرار مرجع ضمیر» (۱۶ مورد)، هر دو مترجم با موفقیت ۱۰۰٪ عمل کرده‌اند. این موفقیت را نمیتوان تصادفی دانست و ریشه در ماهیت این انحرافات دارد. این دو ساختار، بیش از آنکه به ترتیب نحوی وابسته باشند، به انتخابهای واژگانی و صرفی وابسته‌اند. به بیان دیگر، بازآفرینی آنها نیازمند شکستن قواعد بنیادین ترتیب کلمات در زبانهای فارسی (SOV) و انگلیسی (SVO) نیست. برای مثال، تکرار یک اسم به جای استفاده از ضمیر، در هر سه زبان امکان‌پذیر است و اگرچه ممکن است در زبان مقصد کمی نامتعارف به نظر برسد، اما ساختار جمله را مختل نمیکند. این امر با دیدگاه بیکر (۲۰۱۱) که «برابری در سطح واژه و بالاتر از آن» را یکی از سطوح تحلیل ترجمه میدانند، همخوانی دارد؛ در این موارد، مترجمان توانسته‌اند با انتخابی در سطح واژه، برابری سبکی را محقق سازند.

حوزه حذف کامل: انحرافات وابسته به نظام زبانی مبدأ

برجسته‌ترین یافته نمودار (۲)، ناکامی مطلق هر دو مترجم در بازآفرینی «انحراف از زمان فعل» (۸۹ مورد) و «ساختار مجهول متوالی» (۲ مورد) است. این حذف کامل، بیش از آنکه نشان‌دهنده ضعف مترجمان باشد، گواهی بر قدرت "محدودیت‌های" زبان مقصد است. در زبان عربی، استفاده از فعل ماضی برای بیان امری قطعی‌الوقوع در آینده، یک ابزار بلاغی قدرتمند است که ریشه در جهانبینی متن مقدس دارد "التعبیر عن المستقبل بلفظ الماضي" (قزوینی، ۱۴۱۳، ج. ۲، ۹۶). با این حال، نظام زمانی^۱ در زبانهای فارسی و انگلیسی چنین انعطافی را برنمیتابد و ترجمه تحت‌اللفظی آن به جمله‌ای بی‌معنا یا از نظر دستوری غلط منجر میشود. در اینجا، راهبرد مترجم در برابر ساختار تثبیت‌شده زبان مقصد رنگ میبازد و هر دو ناگزیر به (Normalization) و انتخاب زمان آینده برای حفظ معنای اصلی پیام میشوند و در نتیجه، کارکرد بلاغی متن مبدأ از دست میرود.

حوزه انتقال نسبی: میدان رقابت راهبردهای ترجمه

مهمترین بخش تحلیل، در مواردی نهفته است که میزان موفقیت دو مترجم متفاوت است. در انحرافات نظیر «لزوم فعل به داشتن فاعل جاندار» (جانبخشی)، «حذف مفعول»، «تقدم ضمیر بر مرجع»، «ضمیر فاقد مرجع» و «فرم ناهنجار سؤالی»، آبروی به‌طور مداوم بسامد بالاتری از وفاداری را نسبت به فولادوند به ثبت رسانده است. این تفاوت، دقیقاً نقطه تلاقی راهبرد ترجمه و ظرفیتهای زبانی است:

۳-۵- عملکرد فولادوند: رویکرد مقصدگرایی فولادوند (سلطانی رنایی، ۱۳۸۴؛ عبدی، ۱۳۹۴: ۱۲۷)، او را به سمت تولید متنی روان و مطابق با نحو معیار فارسی سوق میدهد. همان‌طور که دبیرمقدم (۲۰۰۱) و راسخ‌مهند (۱۳۸۵) اشاره کرده‌اند، زبان فارسی با وجود انعطاف‌پذیری نسبی، هنجارهای خاص خود را برای یک نثر شیوا دارد. فولادوند در مواردی که حفظ انحراف نحوی ممکن است به روانی متن لطمه بزند یا برای خواننده فارسی‌زبان نامأنوس باشد، آگاهانه دست به هنجارسازی میزند. برای مثال، بر اساس جدول (۲) او در ۲۷ مورد حذف مفعول

^۱. Tense-Aspect System

در متن عربی، تنها ۱۸ مورد را حفظ کرده و در ۹ مورد دیگر احتمالاً برای شفافیت بیشتر، مفعول را به جمله افزوده است. این انتخاب، مصداق بارز اولویت دادن به «خوانایی» بر «وفاداری صوری» است.

۵-۳-۲- عملکرد آربری: از سویی دیگر، آربری با راهبرد مبدأگرایی (Arberry, 1955: 25) خود تلاش میکند تا جای ممکن ساختار نحوی و بلاغی متن عربی را در زبان انگلیسی بازتاب دهد. زبان انگلیسی، به دلیل ساختار مقید SVO، مقاومت بیشتری در برابر جابجایی ارکان جمله از خود نشان میدهد (الیمام، ۲۰۱۳). با این حال، آربری با بهره‌گیری از ظرفیتهای انگلیسی کلاسیک، موفق شده است تعداد بیشتری از این انحرافات را حفظ کند. برای مثال، بر اساس جدول (۲)، حفظ ۲۳ مورد از ۲۳ مورد «ضمیر فاقد مرجع» و ۲۳ مورد «جانبخشی»، نشان از تعهد بالای او به بازآفرینی فرم متن مبدأ دارد، حتی اگر این فرم برای خواننده انگلیسی‌زبان نیازمند تأمل بیشتری باشد.

نتیجه‌گیری

تحلیل کمی و کیفی داده‌های پژوهش نشان میدهد که حفظ یا حذف انحرافات نحوی قرآن کریم در فرآیند ترجمه، تابع دو علت اصلی است: ۱. محدودیتهای زبانی و ۲. راهبرد مترجم. در مواردی که ساختار زبانهایی مقصد (فارسی و انگلیسی) ظرفیت پذیرش فرم مبدأ را نداشت (مانند انحراف زمان فعل)، هر دو مترجم به ناچار تن به «هنجارسازی» و حذف انحراف دادند.

با این حال، تفاوت معنادار در عملکرد دو مترجم، در موارد «انتقال نسبی» آشکار میشود. آربری در اغلب مقولات، به‌ویژه در حفظ ایجاز، تکرارهای ارجاعی و ساختهای پرسشی نشانه‌دار، گرایش به بازنمایی مستقیم ساخت نحوی متن عربی دارد و به‌نوعی به وفاداری ساختاری پایبند است. وی با اتخاذ رویکردی مبدأگرا و وفاداری به فرم، تلاش کرده است تا کارکردهای بلاغی، بین‌فردی و متنی (هلیدی و متیسن، ۲۰۰۴) و اثر «آشنایی‌زدایی» کلام وحی را تا حد امکان در زبان انگلیسی بازآفرینی کند؛ حتی اگر این امر به تولید ساختارهایی نامأنوس در زبان مقصد منجر شود. در مقابل، فولادوند با تعدیل برخی ساختها و ترمیم ارجاعهای مبهم، رویکردی مخاطب‌محور و معنا-گستر اتخاذ کرده است. وی با رویکردی مقصدگرا، اولویت را بر حفظ روانی کلام و رعایت هنجارهای نحوی زبان فارسی قرار داده است؛ در نتیجه، بخش قابل‌توجهی از برجسته‌سازیهایی نحوی متن مبدأ را فدای «روانی و خوانایی» متن مقصد کرده است. در نهایت میتوان گفت ترجمه آربری در بازتاب "سبک و لحن" جزء سی‌ام موفقتر عمل کرده، در حالی که ترجمه فولادوند در انتقال "پیام صریح و روان" برای مخاطب عام کامیابتر بوده است. با این حال، ناکامی هر دو ترجمه در انتقال انحرافات زمانی، که از مهمترین ابزارهای بلاغی متن عربی محسوب میشود، نشان میدهد که محدودیتهای بین‌زبانی میتواند موجب حذف بخشی از ظرفیت گفتمانی و بلاغی متن شود. این نتیجه بر اهمیت بازنگری در راهبردهای ترجمه قرآن، به‌ویژه در سطح بلاغت گفتمانی، تأکید میکند و نشان میدهد که وفاداری ساختاری و روانی متن در زبان مقصد هر دو نیازمند توازن بیشتری است.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دکتري رشته زبانشناسی مصوب در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات استخراج شده است. سرکار خانم دکتر زهرا ابوالحسنی چیمه راهنمایی رساله را بر عهده داشته‌اند و طراح اصلی این مقاله و نویسنده مسئول بوده‌اند. سرکار خانم دکتر مهناز کربلائی صادق بعنوان مشاور و دانشجو سرکار خانم سهیلا

محمدپور پژوهشگران این مقاله در گردآوری و تنظیم متن نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر می‌باشد.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از گروه زبان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش بعهده نویسنده مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCE:

- Abdi, M. (1394). Analysis of Textual Deficiencies of Fuladvand's translation with an emphasis on morphological, syntactic, lexical, and rhetorical functions of semantics. *Journal of Qur'an and Hadith Translation Studies*, 2(3), 127–149.
- Abdolvali, M. (1389). Errors in the translation of the Qur'an into English. *Qur'anic Studies*, 16(62), 364–380.
- Abdul-Raof, H. (2001). *Qur'an translation: Discourse, texture and exegesis*. Routledge. <https://www.scribd.com/document/333683975/Hussein-Abdul-Raof-Qur-an-Translation-Discourse-Texture>
- Al-Tabari, I. (n.d.). *Tafsir al-Qur'an: A complete English translation of classical Qur'anic commentaries* (B. Abrahamson, Trans.; R. Abrahamson, Ed.). Al Sadiqin Institute. <http://alsadiqin.org/tafsir>
- Al-Suyuti, I. (n.d.). *Tafsir al-Qur'an: A complete English translation of classical Qur'anic commentaries* (B. Abrahamson, Trans.; R. Abrahamson, Ed.). Al Sadiqin Institute. <http://alsadiqin.org/tafsir>
- Ameri, Sh., et al. (1399). Deviation and foregrounding in Surah Taha from Leech's perspective. *Journal of Literary Criticism*, 19, 151–178.
- Arberry, A. J. (1988). *The Koran interpreted: A translation*. Oxford University Press. http://www.oxfordislamicstudies.com/Public/book_tki.html
- Baker, M. (2011). *In other words: A coursebook on translation* (2nd ed.). Routledge.
- Betti, M. J. (n.d.). *Stylistics*. University of Thi Qar. https://www.researchgate.net/publication/300466612_Stylistics
- Dabir Moghaddam, M. (2001). Word order typology of Iranian languages. *The International Journal of Humanities*, 8(2), 17–23.

- Elimam, A. (2009). Marked word order in the Qur'an: Function and translation. *Across Languages and Cultures*, 10(1), 109–129. <https://doi.org/10.1556/Acr.10.2009.1.7>
- Fallah, E., & Dehqani Nisyani, M. (1398). Discourse stylistics of passive structures (the thirtieth part of the Holy Qur'an). *Siraj Monir*, 10(36), 125–149.
- Fuladvand, M. M. (Trans.). (1376). *The Holy Qur'an*. Dar al-Qur'an al-Karim.
- Halliday, M. A. K., & Matthiessen, C. M. I. M. (2004). *An introduction to functional grammar* (3rd ed.). Arnold.
- Ibn Hisham al-Ansari, A. (1405 AH). *Mughni al-labib 'a kutub al-a'arib* [Mughni al-labib on the books of parsing]. Seyyed al-Shohada Publications.
- Karkherudi, E., et al. (1403). Analysis of the meanings of deviation and defamiliarization in the Holy Qur'an. *Semantic Studies of Literary Texts*, 2(1), 41–54.
- Khatib Qazvini, M. ibn 'Abd al-Rahman. (1993). *Al-Idah fi 'ulum al-balagha* [The clarification in the sciences of rhetoric] (1413 AH ed.). Al-Maktabah al-Azhariyyah li al-Turath.
- Masluh, A. (2004). *On Arabic rhetoric and linguistic stylistics: New horizons*. Scientific Publishing Council.
- Muhammad al-Rikabi, A. B. (2023). Syntactic and semantic deviations in translations of various verses of the Holy Qur'an: A comparative study of two classical translations of the Holy Qur'an. *Adab al-Mustansiriyah*, 941–949.
- Mithaqiyan, A., et al. (1402). Deviation of objects in the Holy Qur'an based on John Cohen (a case study of the first to third sections). *Qur'anic Literary Studies*, 11(1), 1–17.
- Mohseni, H., & Hasanzadeh, F. (1401). A comparative study of deviation in the poetry of Nizar Qabbani and Hossein Panahi. In *7th International Conference on Language and Literature Studies in the Islamic World*. University of Mohaghegh Ardabili.
- Mokhtari, G., & Shanqi, Gh. (1395). Matching the aesthetic elements of the Holy Qur'an with the theory of syntactic deviation: A case study of Surah al-Kahf. *Qur'anic Literary Studies*, 4(1), 60–88.
- Ne'mati, H., Keykhaei, Y., & Fallahi, M. (1391). A stylistic analysis of the metrical translation of the 30th part of the Holy Qur'an composed by Omid Majd, based on the frequency of parallelism and deviation [Master's thesis, University of Sistan and Baluchestan].
- Niknam, T., Zavarian, R., & Ramezani, M. (1401). Semantic deviation as a fundamental principle of aesthetic communication in the poetry of Rahi Mo'ayyeri and Mehrdad Avesta and contemporary art, based on Leech's theory. *Islamic Art Studies*, 19(45), 616–635.
- Norouzi, M. J. (2025). The application of linguistic foundations in the methodological interpretation of the Holy Qur'an. *The Qur'an: Contemporary Studies*, 4(13), 48–73. <https://doi.org/10.22034/qns.2025.21769.1133>
- Pirnajmuddin, H. (2011). Linguistic deviation in poetry translation: An investigation into the English renderings of Shamlu's verse. *Journal of Language Teaching and Research*, 2(6), 1329–1336. <https://doi.org/10.4304/jltr.2.6.1329-1336>

- Rahman, F., & Weda, S. (2019). Linguistic deviation and rhetorical figures in Shakespeare's selected plays. *Journal of Language Teaching and Research*, 1(12), 37–52.
- Rasekh-Mahand, M. (1385). The relationship between syntactic inversion and emphasis in Persian. *Nameh-ye Farhangestan, Special Issue on Grammar*, (2), 20–33.
- Razavipour, S. K., et al. (1403). Defamiliarization in syntactic incorporations of verbs in the verses of Surah al-Baqarah in the Holy Qur'an. *Qur'anic Linguistic Studies*, 13(1), 89–106.
- Rezaei, R., & Nasri, Z. (1403). Foregrounding in supplicatory verses. *Studies in the Stylistics of the Holy Qur'an*, 8(2), 160–181. <https://doi.org/10.22034/sshq.2024.437195.1431>
- Rezaei, S., & Narmeshiri, E. (1395). Syntactic deviation in the poetry of Akhavan with emphasis on the collection *The Last Shahnameh*. In 11th International Conference of the Society for the Promotion of Persian Language and Literature. University of Guilan.
- Salehi, M. (1996). *The Qur'an: Literary patterns and (un)translatibilities*. Imam Hussein University Press.
- Safavi, K. (1398). *From linguistics to literature (Vol. 1: Verse)*. Sureh Mehr.
- Shafiei Kadkani, M. R. (1391). *The resurrection of words: Lectures on the theory of Russian formalism*. Sokhan Publications.
- Sharbatdar, H. A. (1399). Aesthetic literary stylistics in the thirtieth part of the Holy Qur'an. *Studies in the Stylistics of the Holy Qur'an*, 4(1), 56–72. <https://doi.org/20.1001.1.26455714.1399.3.2.4.6>
- Soltani-Renani, S. M. (1384). A critique of Master Fuladvand's translation. *Qur'anic Studies*, (44), 106–111.
- Toury, G. (1995). *Descriptive translation studies and beyond*. John Benjamins.
- Widdowson, H. G. (1975). *Stylistics and the teaching of literature (8th ed.)*. Longman. <https://books.google.com/books?id=OZ-HAgAAQBAJ>
- Widdowson, H. G. (1992). *Practical stylistics*. Oxford University Press.
- Yasmi, A., Hasanzadeh Mirali, A. (2026). Formalistic Analysis of Semantic and Syntactic Defamiliarization in the Ghazals of SaibTabrizi. *Journal of the stylistic of Persian poem and prose*, (2) pp. 281-298.
- Yaghubyan, M. (2020). Linguistic deviation in business advertisements. *Armenian Folia Anglistika*, 16(2), 9–19. <https://doi.org/10.46991/AFA/2020.16.2.009>
- Yari Estahbani, A. A., & Kamkar Moghadam, H. (1396). A syntactic stylistic study of Surah al-Insan. *Qur'anic Linguistic Studies*, 6(2), 121–140.

منابع فارسی:

- آربری، آرتور جان. (۱۹۸۸). *قرآن تفسیرشده: یک ترجمه*. آکسفورد: انتشارات دانشگاه آکسفورد. http://www.oxfordislamicstudies.com/Public/book_tki.html
- ابن‌هشام انصاری، عبدالله. (۱۴۰۵ق). *معنی‌اللبیب عن کتب‌الأعاریب*. انتشارات سیدالشهدا.
- السیوطی، امام. (۲۰۲۵). *تفسیر قرآن: ترجمه کامل تفاسیر کلاسیک قرآن* (ترجمه: بن‌آبراهامسون؛ ویراست: ربکا آبراهامسون). مؤسسه الصادقین.

<http://alsadiqin.org/tafsir>

الطبری، امام. (۲۰۲۵). *تفسیر قرآن: ترجمه کامل تفاسیر کلاسیک قرآن* (ترجمه: بن آبراهامسون؛ ویراست: ربکا آبراهامسون). مؤسسه الصادقین.

<http://alsadiqin.org/tafsir>

الیمام، احمد صالح. (۲۰۰۹). ترتیب نشاندار واژگان در قرآن: کارکرد و ترجمه. *فصلنامه زبان‌ها و فرهنگ‌ها*، ۱۰(۱)، ۱۰۹-۱۲۹.

<https://doi.org/10.1556/Acr.10.2009.1.7>

بتی، محمد جاسم. (بی‌تا). *سبک‌شناسی*. دانشکده علوم انسانی، دانشگاه ذی‌قار.

https://www.researchgate.net/publication/300466612_Stylistics

بیکر، مونا. (۲۰۱۱). به عبارت دیگر: کتاب درسی ترجمه (چاپ دوم). روتلج.

پیرنجم‌الدین، حسین. (۲۰۱۱). *هنجارگریزی زبانی در ترجمه شعر: بررسی ترجمه‌های انگلیسی اشعار شاملو. فصلنامه آموزش زبان و پژوهش*، ۲(۶)، ۱۳۲۹-۱۳۳۶.

<https://doi.org/10.4304/jltr.2.6.1329-1336>

توری، گیدئون. (۱۹۹۵). *مطالعات ترجمه توصیفی و فراتر از آن*. جان بنجامینز.

خطیب قزوینی، محمد بن عبدالرحمن. (۱۹۹۳). *الإيضاح فی علوم البلاغة. المكتبة الأثرية للتراث*.

دبیرمقدم، محمد. (۲۰۰۱). رده‌شناسی ترتیب واژه در زبان‌های ایرانی. *فصلنامه بین‌المللی علوم انسانی*، ۸(۲)، ۱۷-۲۳.

رحمان، فاتو، و سوکاردی، ودا. (۲۰۱۹). *هنجارگریزی زبانی و آرایه‌های بلاغی در نمایشنامه‌های منتخب شکسپیر. فصلنامه آموزش زبان و پژوهش*، ۱۲(۱)، ۳۷-۵۲.

راسخ‌مهند، محمد. (۱۳۸۵). ارتباط قلب نحوی و تأکید در زبان فارسی. *نامه فرهنگستان*، ۲(۲)، ۲۰-۳۳.

رضائی، رمضان، و نصری، زهرا. (۱۴۰۳). برجسته‌سازی در آیات دعا. *مطالعات سبک‌شناختی قرآن کریم*، ۸(۲)، ۱۶۰-۱۸۱.

<https://doi.org/10.22034/sshq.2024.437195.1431>

رضایی، سمانه، و نرمشیری، اسماعیل. (۱۳۹۵). *هنجارگریزی نحوی در شعر اخوان با تکیه بر مجموعه اشعار «آخر شاهنامه»*. در *یازدهمین گردهمایی بین‌المللی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی*. دانشگاه گیلان.

رضوی‌پور، سید کاظم، و همکاران. (۱۴۰۳). آشنایی‌زدایی در تضمین‌های نحوی افعال آیات سوره بقره قرآن کریم. *پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن*، ۱۳(۱)، ۸۹-۱۰۶.

سلطانی‌رنانی، س. م. (۱۳۸۴). نقد ترجمه استاد فولادوند. *پژوهش‌های قرآنی*، ۴(۴)، ۱۰۶-۱۱۱.

شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۹۱). *رستاخیز کلمات: درس‌گفتارهایی درباره تئوری فرمالیسم روسی*. انتشارات سخن.

شربتدار، حسن‌علی. (۱۳۹۹). *سبک‌شناسی زیباشناختی ادبی در جزء سی قرآن کریم*. *مطالعات سبک‌شناختی قرآن کریم*، ۴(۱)، ۵۶-۷۲.

<https://doi.org/20.1001.1.26455714.1399.3.2.4.6>

صفوی، کوروش. (۱۳۹۸). *از زبان‌شناسی به ادبیات (جلد ۱: نظم)*. سوره مهر.

صالحی، مجید. (۱۹۹۶). *قرآن: الگوهای ادبی و ترجمه‌ناپذیری‌ها*. تهران: انتشارات دانشگاه امام حسین.

عبدالرئوف، حسین. (۲۰۰۱). *ترجمه قرآن: بافت، انسجام و تفسیر*. لندن و نیویورک: روتلج.

<https://www.scribd.com/document/333683975/Hussein-Abdul-Raof-Qur-an-Translation-Discourse-Texture>

- عبدالرئوف، حسین. (۲۰۰۶). بلاغت عربی: تحلیل کاربردشناختی. لندن و نیویورک: روتلج.
- عبدالولی، محمد. (۱۳۸۹). کژتابی‌های ترجمه قرآن به زبان انگلیسی. پژوهش‌های قرآنی، ۱۶(۶۲)، ۳۶۴-۳۸۰.
- عبدی، محمد. (۱۳۹۴). آسیب‌شناسی ترجمه فولادوند با تکیه بر کارکردهای صرفی، نحوی، واژگانی و بلاغی دانش معناشناسی. مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، ۲(۳)، ۱۲۷-۱۴۹.
- عامری، شاکر، و همکاران. (۱۳۹۹). هنجارگریزی و برجسته‌سازی در سوره طه از دیدگاه لیچ. پژوهشنامه نقد ادب/ ادبی، (۱۹)، ۱۵۱-۱۷۸.
- فلاح، ابراهیم، و دهقانی نیسانی. (۱۳۹۸). سبک‌شناسی گفتمانی ساختارهای مجهول (جزء سی‌ام قرآن کریم). سراج منیر، ۱۰(۳۶)، ۱۲۵-۱۴۹.
- فولادوند، م. م. (مترجم). (۱۳۷۶). قرآن کریم. دارالقرآن الکریم.
- کهرودی، احسان، و همکاران. (۱۴۰۳). بررسی و تحلیل معنای هنجارگریزی و آشنایی‌زدایی در قرآن کریم. پژوهش‌های معناشناختی متون ادبی، ۲(۱)، ۴۱-۵۴.
- مختاری، قاسم، و شانقی، غلامرضا. (۱۳۹۵). تطبیق عناصر زیبایی‌شناسی قرآن کریم با نظریه هنجارگریزی نحوی: نمونه مورد پژوهانه سوره مبارکه کهف. پژوهش‌های ادبی-قرآنی، ۴(۱)، ۶۰-۸۸.
- مصلوح، احمد. (۲۰۰۴). فی البلاغة العربیة والأدب اللسانیة: آفاق جدیدة. مجلس النشر العلمی.
- محسنی، حسین، و حسن‌زاده، فاطمه. (۱۴۰۱). بررسی تطبیقی هنجارگریزی در شعر نزار قبانی و حسین پناهی. در هفتمین همایش بین‌المللی مطالعات زبان و ادبیات در جهان اسلام. دانشگاه محقق اردبیلی.
- محمد الریکابی، علی بدین. (۲۰۲۳). هنجارگریزی‌های نحوی و معنایی ترجمه‌های آیات مختلف قرآن کریم: مطالعه تطبیقی بر دو ترجمه کلاسیک قرآن کریم. آداب المستنصریة، ۹۴۱-۹۴۹.
- میثاقیان، عسگر، و همکاران. (۱۴۰۲). هنجارگریزی مفعول‌ها در قرآن کریم بر اساس جان کوهن (بررسی موردی: جزء‌های یکم تا سوم). پژوهش‌های ادبی-قرآنی، ۱۱(۱)، ۱-۱۷.
- نعمتی، حبیب‌الله، کیخوابی، یحیی، و فلاحی، محمد. (۱۳۹۱). بررسی سبکی ترجمه منظوم جزء سی‌ام قرآن مجید، سروده امید مجد بر اساس بسامد توازن و هنجارگریزی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- نیکنام، تینا، زواریان، راضیه، و رضانی، مهناز. (۱۴۰۱). هنجارگریزی معنایی اصل بنیادین ارتباطات زیبایی‌شناسی در اشعار رهی معیری و مهرداد اوستا و هنر معاصر بر اساس نظریه لیچ. مطالعات هنر/اسلامی، ۱۹(۴۵)، ۶۱۶-۶۳۵.
- نوروزی، محمدجواد. (۲۰۲۵). کاربرد مبانی زبان‌شناسی در تفسیر روش‌شناختی قرآن کریم. قرآن: مطالعات معاصر، ۴(۱۳)، ۴۸-۷۳.

<https://doi.org/10.22034/qns.2025.21769.1133>

ویدوسون، هنری جورج. (۱۹۷۵). سبک‌شناسی و آموزش ادبیات. هنگ‌کنگ: انتشارات لانگمن.

<https://books.google.com/books?id=OZ-HAgAAQBAJ>

ویدوسون، هنری جورج. (۱۹۹۲). سبک‌شناسی کاربردی. آکسفورد: انتشارات دانشگاه آکسفورد.

یاری اصطهبانی، علی‌اصغر، و کامکارمقدم، حمیده. (۱۳۹۶). بررسی سبک‌شناسی نحوی در سوره «الانسان». پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، ۶(۲)، ۱۲۱-۱۴۰.

یاسمی، آرزو، و حسن‌زاده میرعلی، عبدالله. (۱۴۰۵). تحلیل فرمالیستی آشنایی‌زدایی معنایی و نحوی در غزلیات صائب تبریزی. نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی، ۲(۲)، ۲۸۱-۲۹۸.

<https://irandoi.ir/doi/10.irandoi.2002/bahareadab.2026.18.8144>

یعقوبیان، مارین. (۲۰۲۰). هنجارگریزی زبانی در آگهی‌های تجاری. *Armenian Folia Anglistika*، ۱۶(۲)، ۱۹-۹.

<https://doi.org/10.46991/AFA/2020.16.2.009>

هالیدی، مایکل الکساندر کرک‌وود، و متیسن، کریستین متیسن. (۲۰۰۴). درآمدی بر دستور نقش‌گرای نظام‌مند (ویراست سوم). انتشارات آرنولد.

معرفی نویسندگان

سهیلا محمدپور: دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
(Email: soheila.mohammadpour@iau.ac.ir)
(ORCID: 0009-0004-4689-1061)

زهرا ابوالحسنی چیمه: دانشیار گروه زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
(Email: Zahra.abolhasani@ut.ac.ir (نویسنده مسئول))
(ORCID: 0000-0001-5834-8649)

مهناز کربلائی صادق: استادیار گروه زبان‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
(Email: Mahnaz.K.Sadegh@iau.ac.ir)
(ORCID: 0000-0001-6044-1797)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Soheila Mohammad pour: phd student in Linguistics, SR.,C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.
(Email: soheila.mohammadpour@iau.ac.ir)
(ORCID: 0009-0004-4689-1061)

Zahra Abolhasani Chimeh: Associate Professor, Department of Linguistics, faculty of literature and Humanities, University of Tehran, Tehran, Iran.
(Email: Zahra.abolhasani@ut.ac.ir : Responsible author)
(ORCID: 0000-0001-5834-8649)

Mahnaz Karbalai Sadegh: Assistant Professor of Linguistics, SR.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran
(Email: Mahnaz.K.Sadegh@iau.ac.ir)
(ORCID: 0000-0001-6044-1797)